



تاریخ هخامنشیان

ریشه‌های سنت اروپایی

جلد پنجم



ویراستاران: هلن سانسپسی وردنیوخ و یان ویلم درایورس
ترجمه مرتضی ثاقب‌فر





« ۶۸۰ »

تاریخ هخامنشی

جلد پنجم

ریشه‌های سنت اروپایی

ویراستاران

هلن سانیسی وردنبورخ و یان ویلم درایورس

ترجمه مرتضی ثاقب‌فر

عنوان و نام پدیدآور : تاریخ هخامنشی / ویراستاران هلن سانسیمی وردنبورخ و آملی کورت؛ مترجم مرتضی ثاقب‌فر.

شابک : دوره ۹ جلدی: 978-964-315-684-8 ج. ۱: 978-964-315-675-6 ج. ۲: 978-964-315-676-3 ج. ۳: 978-964-315-677-0 ج. ۴: 978-964-315-678-7 ج. ۵: 978-964-315-679-4

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.

یادداشت : A chaemenid history. 1991 :

یادداشت : کتابنامه.

مندرجات : ج. ۱. منابع، ساختار و نتیجه‌گیری. - ج. ۲. منابع یونانی. - ج. ۳. روش و نظریه. - ج. ۴. مرکز و پیرامون - ج. ۵. ریشه‌های سنت اروپایی

موضوع : ایران -- تاریخ -- هخامنشیان، ۵۵۸-۳۳۰ ق.م.

شناسه افزوده : سانسیمی - وردنبورگ، هلن. ۱۹۴۴-۲۰۰۰ م.

شناسه افزوده : Sancisi-weardenburg, Heleen :

شناسه افزوده : یان ویلم درایورس، ویراستار.

شناسه افزوده : ثاقب‌فر، مرتضی. ۱۳۲۱- . مترجم

رده‌بندی کنگره : / ۱۳۸۷DSR ۲۱۹ ت ۲

رده‌بندی دیویی : ۹۵۵/۰۱۴

شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۸۳۳۹۶



انتشارات توس

تاریخ هخامنشی (جلد پنجم)
ریشه‌های سنت اروپایی

ویراستار: هلن سانسیمی وردنبورخ و یان ویلم درایورس

ترجمه مرتضی ثاقب‌فر

چاپ اول: ۱۳۸۸

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

بهای دوره پنج جلدی: ۵۰۰۰۰ تومان

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: توس (مریم خسروی)

لیتوگرافی: پیچاز

چاپخانه: نیلی

شابک جلد پنجم: ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۵-۶۷۹-۴ ISBN 978-964-315-679-4

شابک دوره ۹ جلدی: ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۵-۶۸۴-۸ ISBN 978-964-315-684-8

کلیه حقوق چاپ و انتشار این اثر - به هر صورت - محفوظ و مخصوص انتشارات توس است.

فروشگاه: تهران، خیابان انقلاب، اول خیابان دانشگاه، پلاک ۱ - تلفن: ۶۶۴۶۱۰۰۷، فکس: ۶۶۹۷۰۶۷۷

دفتر مرکزی: تهران، خیابان انقلاب، خ دانشگاه بن بست پورجوادى شماره ۵ - تلفن: ۶۶۴۹۱۴۴۵-۷

نشانی اینترنتی: www.toospub.com پست الکترونیک: info@toospub.com

فهرست

کوتاه‌نوشت‌ها ۷



پیشگفتار ۹



تصویر فرمانروایان هخامنشی در کتاب مقدس ۱۵

پیتر اکروید



برخی نکات درباره‌ی: آرایه‌ی ایرانی کتاب کوروش‌نامه ۳۹

ک. توپلین



کوروش در ایتالیا: از دانته تا ماکیاولی ۶۱

هلن سانسیسی وردنبورخ



آنیوس ویتروویی و تاریخ ایران ۹۳

گرت هارمانی



بریسونیوس: درباره سه اصل متوازن‌کننده فرمانروایی در ایران (سال ۱۵۹۰) ۱۱۳

دیوید لوئیس



دو دیدگاه درباره تاریخ ایران، در سده هجدهم انگلستان ۱۳۱

ماریا بروسیوس

۱۴۵ پیکره‌های شرقی در نقش برجسته توروالسن موسوم به افریز اسکندر

پ. کالمایر



۱۸۵ اسکندرو پابل

آملی کورت



۱۹۹ الگوهای شرق در تاریخ هنر دوره شرقی مآبی

آن گونتر



۲۲۱ تاریخچه مفاهیم "آریایی‌ها" و "آریایی" در علوم زبان‌شناسی

یوزف ویزه‌هوفر



خرونینگن ۱۹۸۷: گزارش‌هایی آزاد ۲۴۵

بی‌یر بریان

کوته‌نوشت‌ها

- AchHist I Sancisi-Weerdenburg, H. (ed.), *Achaemenid History I: Sources, Structures, Synthesis*, Leiden 1987
- AchHist II Sancisi-Weerdenburg, H. & Kuhrt, A. (eds.), *Achaemenid History II: The Greek Sources*, Leiden 1987
- AchHist III Kuhrt, A. & Sancisi-Weerdenburg, H., (eds.), *Achaemenid History III: Method and Theory*, Leiden 1988
- AchHist IV Sancisi-Weerdenburg, H. & Kuhrt, A., (eds.), *Achaemenid History IV: Centre and Periphery*, Leiden 1989
- AHw von Soden, W., *Akkadisches Handwörterbuch*, Wiesbaden 1965 (3 vols.)
- AHR American Historical Review
- AJAH American Journal of Ancient History
- AJA American Journal of Archaeology
- AK Archiv für Kulturgeschichte.
- AÖAW Almanach der Österr. Akademie der Wissenschaften
- AMI Archäologische Mitteilungen aus Iran.
- AMI Erg. Band 10 Koch, H. & Mackenzie D.N., *Kunst, Kultur und Geschichte der Achämenidenzeit und ihr Fortleben* (AMI Ergänzungsband 10), Berlin 1983
- ANET J.B. Pritchard (ed.), *Ancient Near Eastern Texts*, Oxford-Princeton 1955² (1969³)
- ARAB D.D. Luckenbill, *Ancient Records of Assyria and Babylonia*, Chicago, 1926-7
- BM British Museum siglum
- CAD Chicago Assyrian Dictionary
- CAH Cambridge Ancient History.
- CRAI Comptes Rendus de l'Académie des Inscriptions et Belles-Lettres.
- DNB Dictionary of National Biography
- Enclr Encyclopaedia Iranica
- FGrH F. Jacoby, *Die Fragmente der Griechischen Historiker*, Berlin/Leiden 1923-1958.
- GGA Göttingische Gelehrte Anzeigen.
- JAOS Journal of the American Oriental Society.
- JEOL Jaarbericht van het Vooraziatisch-Egyptisch Genootschap Ex Oriente Lux
- JHI Journal of the History of Ideas
- JHS Journal of Hellenic Studies.
- JNES Journal of Near Eastern Studies.
- JSOT Journal for the Study of the Old Testament
- JSS Journal of Semitic Studies
- LBAT *Late Babylonian astronomical and related texts copied by T.G. Pinches and J.N. Strassmaier, prepared for publication by A.J. Sacha, with the co-operation of J. Schaumberger, Providence, R.I., 1955*
- LCI Lexikon der christlichen Ikonographie

Letl.It	La Letteratura Italiana. Storia e Testi
MDOG	Mitteilungen der Deutschen Orient-Gesellschaft
NDB	Neue Deutsche Biographie
REA	Revue des Etudes Anciennes.
RGBI	Reichsgesetzblatt
RTP	Briant, P., <i>Rois, tributs et paysans</i> , Paris 1982
SEG	Supplementum Epigraphicum Graecum, Leiden 1923-
SHAW	Sitzungsberichte der Heidelberger Akademie der Wissenschaften
SNR	Schweizerische Numismatische Rundschau
SZG	Schweizerische Zeitschrift für Geschichte
TvG	Tijdschrift voor Geschiedenis
WA	Weimarer Ausgabe
WMANT	Wissenschaftliche Monographien zum Alten und Neuen Testa- ment

پیشگفتار

تلفیقی از تاریخ فلسفی با روش تحقیق قدما هدفی بود که بهترین تاریخ‌نویسان سده نوزدهم برای خود در نظر گرفته بودند. این تلفیق هدفی است که هنوز بسیاری از ما داریم و این به معنای وجود دو مشکل است: واپس‌زدن دائمی نگرش پیش‌ذهنی [a priori] که ذاتی هر رویکرد تعمیم‌دهنده در ذهن مورخ فلسفی است، و از سوی دیگر پرهیز از روحیه و ذهنیت قدیمی با علاقه‌اش به طبقه‌بندی و شرح جزئیات بی‌ربط. (آ. مومیلانو، مطالعاتی در تاریخ‌نویسی، لندن ۱۹۶۶، ص ۲۵).

نقل قول بالا از پژوهش‌های گسترده‌ی آرنالدو مومیلانو در تاریخ تاریخ‌نویسی بخصوص در مورد تاریخ هخامنشیان صادق است. از یک سو با آگاهی به جزئیات روزافزون که پژوهش تخصصی در زبان‌های گوناگون رایج در شاهنشاهی ایران پیوسته در اختیار ما می‌گذارد روبه‌رو هستیم؛ و از سوی دیگر همگی احساس می‌کنیم به ادغام و جوش دادن این نتایج به یکدیگر در درون یک تصویر بزرگ‌تر و یک رویکرد کلی‌تر و تعمیم‌یافته‌تر نیاز داریم. چگونه می‌توان سفال‌ها و خرده سفال‌های به‌دست آمده از مصر، خانه‌های خشتی کشف شده در یهودا یا نظام‌های آبرسانی و آبیاری آسیای میانه را به چگونگی شکل‌گیری و تکوین شاهنشاهی ارتباط داد؟ اسناد تجارتنی به‌دست آمده در ناحیه بابلیه و ناچیزی آن‌ها در ایران، درباره طرز کار ساختار حکومتی چه کمکی می‌توانند به ما بکنند. چشم‌اندازهای گسترده ادامه فرایندهای آشکار فرهنگ‌پذیری در آسیای صغیر چه گرهی از کار ما می‌گشایند. مسأله همان

چیزی است که همگی با آن آشنا هستیم: این مدارک تازه یا به تازگی تصحیح و ویرایش شده را باید در یک هم‌نهادی [Synthesis] با هم چنان ترکیب کنیم و جوش دهیم که تبیین‌کننده فرایندی تاریخی باشد که از اوایل سده ششم ق.م. شروع می‌شود و با فتح اسکندر پایان می‌یابد. شاید چنین به نظر رسد که اصطلاح "تاریخ فلسفی" در مورد دیدگاه‌های تاریخ‌نگاران رایج درباره شاهنشاهی ایران کاملاً مناسب نیست. در ربیع آخر سده بیستم همگی ما هراس روزافزونی داریم از تبیین‌هایی تاریخی که بخواهند به تبیین مسیر تاریخ پردازند، یا به بیانی نرم‌تر نشان دهند که مسیر تاریخ اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین احساس نیاز روزافزون ما به مدارک "سخت"، به واقعیت‌ها، به گواهی‌های انکارناپذیر در مورد زندگی گذشته و تردید ملازم با آن نسبت به هرگونه تعبیری از مدارک که فراتر از حوزه و گستره مربوط به خودش باشد، امری طبیعی است. و تناقض شگفت در این است که در عین حال مغایرت میان تحلیل مدارک و ساخت یک هم‌نهاد و سنتز بیشتر از گذشته شده و متخصصان هر رشته هیچ‌گونه تمایلی به توجه و به دیده گرفتن آنچه در حوزه‌های دیگر تحقیق رخ می‌دهد ندارند. هم‌نهاد که عبارت است از معرفتی جمعی که طی قرن‌ها تحقیق و آموزش کسب شده، اکنون به نگرشی "پیش ذهنی" تبدیل گشته که ما در قالب و به وسیله‌ی آن تاریخ شاهنشاهی ایران را تفسیر می‌کنیم.

تاریخ، برخلاف علوم طبیعی، روش‌های تعریف شده‌ی دقیقی ندارد و این روش‌ها بیشتر سراسری تعریف شده‌اند. بنابراین نتایج تحقیق تاریخی ظاهراً کمتر از علوم [زیستی] قابل انباشتند. تعیین پیشرفت در تاریخ معمولاً دشوارتر از این کار در فیزیک یا ریاضیات است، حال بگذریم از این مشکل که کمتر مورخانی را می‌توان یافت که درباره درک از مفهوم پیشرفت اتفاق نظر داشته باشند. روش‌های تاریخ غالباً از روش‌های علوم اجتماعی اخذ می‌شوند، اما در اکثر موارد این روش‌ها را فقط می‌توان با اصطلاح "عقل سلیم" توصیف کرد. تبیین فرایندهای تاریخی اغلب از این دست است و مبتنی بر استدلال‌هایی است که همگی کمابیش به‌طور شهودی با آن موافقیم. اما پیداست آنچه که در دوره‌ای عقل سلیم دانسته یا نامیده می‌شود در دوره بعد چنین نیست. عقل سلیم با گذشت زمان تغییر می‌کند چون به درک عمومی

فرهنگ ما از جهان بستگی دارد. این بدان معناست که هرگونه هم‌نهاد تاریخی در عین حال مبتنی بر عناصری است که ارتباط تنگاتنگی با بافت‌های فرهنگی همان دوره شکل‌گیری آن هم‌نهاد دارند. و نیز از آن‌جا که هم‌نهاد با پس‌زمینه فرهنگی ما رابطه نزدیکی دارد، پس معمولاً کشف این عناصر بسیار دشوار می‌شود. ما همگی آموخته‌ایم در همان خط‌هایی به‌طور علمی بیندیشیم و استدلال کنیم که استخوان‌بندی تفسیر تاریخی رایج را تشکیل می‌دهند.

مدتی بیش از دو هزار سال ثباتی بی‌نظیر بر نظریات مربوط به امپراتوری ایران حاکم بوده است. اکنون دو جنبه از این نظریات را به‌طور کلی مسؤول اصلی این ثبات و بی‌تحركی می‌دانند: یکی "یونان‌مداری" و دیگری "شرق‌شناسی". گرچه کاملاً روشن شده است که این هر دو جنبه به علت فقدان هرگونه شالوده فلسفی خاص نگرش‌هایی "پیش‌ذهنی" هستند و باید کنار گذاشته شوند، اما بدون آن‌که دقیقاً بدانیم چه چیزی را باید کنار بگذاریم و چه چیزی را حفظ کنیم این کار غیرممکن است. پیش‌شرط لازم برای پژوهش بیشتری که ما را به هم‌نهادی که از لحاظ کیفی بهتر باشد هدایت کند، تحقیق در این باره است که هم‌نهاد رایج کنونی چرا و چگونه شکل گرفته است. بنابراین دعوت امسال کارگاه از شرکت‌کنندگان و درخواست از آنان برای جست‌وجوی ریشه‌های سنت اروپایی نگرش رایج به امپراتوری ایران، یک تفنن فرهنگی بیهوده و سرگرم‌کننده و جالب اما نه به راستی مربوط به کار اصلی کارگاه نبود. این کار شالوده پژوهش ما و خاستگاه مفاهیمی را که حتی پیش از شروع کار علمی پذیرفته بودیم مورد تردید قرار می‌دهد. چنان‌که در یادداشت افتتاحیه بیان شده است، کار امسال کارگاه هم تحلیل ادبیات پژوهشی دوران جدید (سده‌های نوزدهم و بیستم) است و هم کوشش برای به‌دست آوردن نمایی کلی از مجموع نوشته‌هایی که به‌نحوی داور ادبیات و تاریخ‌نگاری اروپایی را نسبت به شاهنشاهی هخامنشی از آغاز در سده‌های پنجم و چهارم ق.م. یونان به بعد منعکس می‌سازند. پس هدف نه‌تنها پژوهشی انتقادی در مفاهیم سنتی، تعصبات ایدئولوژیکی و پیش‌داوری‌های فرهنگی، بلکه افزون بر آن کوشش برای آغاز گردآوری مجموعه‌ای از اسناد درباره ایران باستان به عنوان تصویری سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده در تحولات فرهنگی اروپایی است. مطالعاتی

که نمایانگر "استفاده" از ایران در ادبیات، تأثر، اپرا و نقاشی باشند به همان اندازه مورد استقبال ما قرار می‌گیرند که به پژوهش‌های تاریخی با رویکردی نظری‌تر خوش‌آمد گفته خواهد شد.

بی‌آن‌که اهمیت پژوهش در تاریخ فرهنگی اروپا را انکار کنیم که در آن تصویر "شرق باستان" غالباً مصرف داخلی داشته و شرق نقش بازیگر مقابل (با نقش منفی) را در جهان کلاسیک ایفا کرده است، باید بگوییم که این موضوع به مشغله‌ی ذهنی اصلی ما برای یافتن نمای تازه‌ای از تاریخ هخامنشی نیز مربوط می‌شود. نگرش‌های "پیش‌ذهنی" فقط با خواندن کارهای پژوهشی شکل نمی‌گیرند بلکه غالباً از طریق جذب ناآگاهانه تجلیات فرهنگی در عرصه هنر نیز ساخته و پرورده می‌شوند. یک رُمان خوب درباره یک موضوع به مراتب تأثیر بسیار بیشتری دارد و در دسترس عموم بیشتر قرار می‌گیرد تا فراگیرترین و در دسترس‌ترین کتاب یا مقاله تحقیقی درباره همان موضوع. مثلاً انتظار می‌رود دانشجویان آینده تاریخ امپراتوری ایران تحصیل خود را با مفاهیمی درباره این موضوع آغاز کنند که از رمان خاطره‌انگیز آفرینش اثر ویدال اخذ کرده‌اند. تنها کافی است شمارگان انتشار یا تیراژ این رُمان را با پرفروش‌ترین کتاب تحقیقی در این زمینه یعنی تاریخ شاهنشاهی ایران اثر اومستد مقایسه کنیم تا دریابیم که اولی تا چه اندازه سهم بیشتری - به‌رغم موفقیت فراوان دومی - در شکل دادن به افکار عمومی درباره دوره هخامنشی نسبت به دومی داشته است. احتمال این‌که خوانندگان غربی خشایارشا را از طریق رمان ویدال بهتر بشناسند تا مقالات تحقیقی دقیق ما بسیار بیشتر است. و چون این‌گونه "شناخت" کمتر آگاهانه اخذ می‌شود تا نتایج هرگونه تحصیل و تحقیق، پس تقریباً ناگزیر در شکل دادن به "عقل سلیم" ما در تحلیل و تفسیر سهم بیشتری دارد. به راستی غیرممکن است که انسان بتواند خود را به کلی از پیش‌داوری‌ها و تعصبات فرهنگ خویش رها سازد اما بی‌گمان سودمند است که در کاهش این عناصر در ذهنیت خود بکوشد. از این لحاظ، تاریخ‌نگاری درباره این موضوع و تحلیل این‌که این "شناخت" چگونه رشد کرده و پرورش یافته، چیزی بیش از فعالیتی مبتنی بر مُد روز است.

در "یادداشت افتتاحیه" این کارگاه نکات زیر درباره موضوع پیشنهادی به

شرکت‌کنندگان یادآوری شده است:

۱- بازبایی تاریخ در دوران باستان: به زودی پس از تحریر اولین کتاب تحقیقی [منظور تاریخ هرودوت است] در سده پنجم ق.م. تصویر ساخته شده از ایران ایفای نقش دومی را بر عهده گرفت تا در تأثر و نمایشنامه‌سرایی، سخنوری و فلسفه برای شکل دادن به فرهنگ یونانی اثرگذار شود (نک. بریان، جلد دوم همین مجموعه).

۲- تأثیر بافت فرهنگی، فکری و اجتماعی بر مطالعه ایران باستان در تاریخ‌نویسی مدرن اروپا (نک. مثلاً متسler *AMI Ergbd*، ۱۰، سال ۱۹۸۳) و سایر ادبیات علمی که در اجلاس اولیه کارگاه به عنوان الگوی ضمنی به آن‌ها اشاره شده است.

۳- بازبایی تاریخ باستان در دوران جدید: شامل استفاده امروزی ثانوی از تاریخ ایران باستان، مثلاً در بافت‌ها و با مقاصد سیاسی (ناسیونالیسم، نازیسم و غیره) (مانند مقاله ی. ویزه‌هوفر در جلد سوم همین مجموعه).

۴- ادامه حضور پیش‌پنداشت‌ها و تصدیق‌های بلا‌تصوّر، میکروپ‌های ایدئولوژیک و ترجمه‌های مغرضانه و همراه با تعصب در ادبیات جدیدتر، به عبارت دیگر ارزیابی بنیادها و شالوده‌هایی که ما خود بر آن‌ها قرار داریم. جنگ جهانی دوم را می‌توان خط مرزی ناهمواری میان این نکته و نکته ۲ تلقی کرد.

۵- پیش از شروع به تحقیق چه می‌دانیم. عقل سلیم و افکار عمومی درباره ایران در کتاب‌های درسی و در آثاری که برای عموم مردم و غیره تهیه می‌شوند، چگونه ساخته شده است؟ و در عین حال در ادامه همین خط، تصویری که از ایران در معرفت عمومی ما شکل گرفته چیست؟ (نک. م. فزو، تاریخ برای کودکان چگونه حکایت می‌شود، پاریس ۱۹۸۰).

نکات مطرح شده در یادداشت افتتاحیه به معنای جامع بودن آن‌ها نیست. بلکه طبق معمول تنها چند پرسش و رهنمود هستند. پاسخ به این پرسش‌ها دامنه‌ای گسترده دارند: از کتاب کوروش‌نامه گرنفون گرفته که نخستین اثری است که یک چارچوب یا ساختار ایرانی را اساساً برای استفاده جهت هدف‌های یونانی به کار می‌گیرد و توپلین در این جلد به بحث درباره آن پرداخته است، تا تصویر شاهان هخامنشی در کتاب مقدس که اکروید به بررسی آن می‌پردازد و درباره استفاده و سوءاستفاده از واژه "آرین" در سده‌های نوزدهم و بیستم که در مقاله ویزه‌هوفر تحلیل شده است سخن می‌گوید. تاریخ

اولیه دوره جدید با مقالاتی درباره "تصویر" کوروش در ایتالیای سده پانزدهم (سانسی وردنبورخ)، جعل منابع درباره تاریخ ایران توسط آنیوس ویتروبی (گرت هارمانی) و درباره نخستین تکننگاری از تاریخ ایران توسط بریسونیوس (دیوید لوئیس) مورد بررسی قرار می‌گیرد. دو مقاله درباره اواخر سده هجدهم و اوایل نوزدهم از زوایایی کاملاً متفاوت به درهم‌تنیدگی نگرانی‌های سیاسی و علمی (ماریوسیوس) و علائق هنری و سیاسی (کالمیر) می‌نگرند. دو اشتباه یا مغلظه امروزی توسط آن‌گوترو و آملی‌کورت به بحث گذاشته می‌شوند. هر دو اثبات می‌کنند که دیدگاه‌های امروزی ما هنوز متأثر از نگرشی یونانی‌مدار است که نه‌تنها باعث تحریف در تفسیر شده‌اند (کورت) بلکه حتی بر دریافت‌های مربوط به دوره پیش از ایرانیان نیز اثر گذاشته‌اند (گوترو). نتایج بحث‌ها را پی‌یر بریان در پایان خلاصه کرده است. در پایان مایلیم سپاس خود را از کمک‌های اشخاص و مؤسساتی که این کارگاه را به صورگوناگون امکان‌پذیر ساختند ابراز داریم. کار شرکت‌کنندگان در اتاق کنفرانس با دو روز بحث‌های دلپذیر و ثمربخش. این امر با کارهای بسیار شاق سازماندهی چه پیش و چه پس از اجلاس امکان‌پذیر شد، در این مورد سپاسگزارینی اسخولتن و کون وان درکرون هستیم. م.آ.وس بر جلسات ریاست می‌کرد و ما به‌خاطر هدایت مؤثر بحث‌ها توسط او تشکر می‌کنیم. همچنین قدردانی فراوان خود را از کمک مالی "صندوق دانشگاه‌های خرونینگن" ابراز می‌داریم. مارایکه سارنل با گشاده‌رویی بیشتر دست‌نویس‌ها را تایپ کرد که از او سپاسگزاریم. یاری‌های آملی‌کورت نه‌تنها در سراسر مرحله‌ی سازماندهی بسیار گراتبها بود، بلکه او سزاوار امتنان ویژه ما به‌خاطر تصحیح و ویرایش دست‌نویس‌های انگلیسی سخنگویان غیرانگلیسی نیز هست.

یان ویلم درایورس

هلن سانیسی وردنبورخ